

The Relationship between Comparability of Financial Statements and Asymmetric Behavior of Costs with Considering the Moderating Role of Institutional Investors' Ownership

*Shirin Shahbazi*¹

Younes Badavar Nahandi^{1,*2}

(Receipt: 2023.06.10- Acceptance: 2023.07.31)

Abstract

The asymmetric behavior of costs is one of the phenomena that originates from the conflict of interests between managers and owners. The ability to compare financial statements by determining the level of coordination between the accounting procedures of different companies makes the information environment transparent and provides the possibility of correct evaluation of performance and optimal allocation of resources. Institutional owners, as one of the pillars of the corporate governance system, play an important role in monitoring management. Based on this, the current research examines the relationship between the comparability of financial statements and the asymmetric behavior of costs with considering the moderating role of institutional investors' ownership. The statistical population of the research include the companies admitted to the Tehran Stock Exchange for the years since 2013 to 2020, and 139 Firms were selected as a statistical sample using the systematic elimination method. The research method is post-event and the data analysis method is multivariate linear regression. The results of the research showed that, there is a negative relationship between comparability of financial statements and asymmetric behavior of costs. Also, ownership of institutional investors exacerbates the negative relationship between comparability of financial statements and asymmetric behavior of costs. Therefore, the comparability of financial statements and the ownership of institutional investors play a complementary role in reducing the negative consequences of conflicts of interest between managers and owners and providing the goal of optimal use of resources.

Key Words: Comparability of Financial Statements, Asymmetric Cost Behavior, Ownership of Institutional Investors.

JEL Classification: M410, G340

1. Master of Accounting, Institute of Higher Education Seraj, Tabriz, Iran.

2. Associate Professor, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

*.corresponding author: badavarnahandi@iaut.ac.ir.ac.ir

ارتباط بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و رفتار نامتقارن هزینهها با در نظر گرفتن نقش تعدیل کنندگی مالکیت سرمایه گذاران نهادی

شیرین شهبازی^۱

یونس بادآور نهندي*^۲

(دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹-پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰)

چکیده

رفتار نامتقارن هزینهها یکی از پدیدههایی است که از تضاد منافع بین مدیران و مالکان نشات می‌گیرد. قابلیت مقایسه صورتهای مالی با تعیین سطح هماهنگی بین رویه های حسابداری شرکت‌های مختلف، موجب شفافیت محیط اطلاعاتی می‌شود و امکان ارزیابی صحیح عملکرد و تخصیص بهینه منابع را فراهم می‌آورد. مالکان نهادی نیز به عنوان یکی از ارکان نظام راهبری شرکتی، نقش با اهمیتی را در نظارت بر مدیریت ایفا می‌کنند. بر این اساس، پژوهش حاضر به مطالعه ارتباط بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و رفتار نامتقارن هزینهها با در نظر گرفتن نقش تعدیل کنندگی مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ است که با استفاده از روش حذف سیستماتیک، تعداد ۱۳۹ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. روش پژوهش از نوع علی پس رویدادی و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نوع رگرسیون خطی چند متغیره است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و رفتار نامتقارن هزینهها ارتباط منفی وجود دارد؛ همچنین مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی ارتباط منفی بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و رفتار نامتقارن هزینهها را تشدید می‌کند. بنابراین، قابلیت مقایسه صورتهای مالی و مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در کاهش پیامد منفی تضاد منافع بین مدیران و مالکان و تامین هدف استفاده بهینه از منابع، نقش مکمل هم را ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: قابلیت مقایسه صورتهای مالی، رفتار نامتقارن هزینهها، مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی.

طبقه بندی موضوعی: M410, G340

۱. کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی سراج، تبریز، ایران.

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

*. نویسنده مسئول: badavarnahandi@iaut.ac.ir.ac.ir

مقدمه

مفهوم هزینه و مدیریت آن از موضوعات بسیار مهم جهت کسب سود است. درک رفتار هزینه‌ها در یک کسب و کار، بسیار ضروری است. یافته‌های پژوهش‌های اخیر درباره رفتار هزینه‌ها نشان داده است که برخلاف تصور، در بسیاری از موارد، هزینه‌ها متناسب با تغییرات فروش تغییر نمی‌کنند. به عبارت دیگر، هزینه‌ها به تناسب افزایش فروش افزایش می‌یابند اما به تناسب کاهش فروش کاهش نمی‌یابند. این رفتار نامتناسب هزینه‌ها رفتار نامتقارن یا چسبندگی هزینه‌ها نامیده می‌شود. دو نظریه درباره رفتار نامتقارن هزینه‌ها مطرح شده است. بر اساس نظریه اول، رفتار نامتقارن هزینه‌ها نتیجه تصمیم آگاهانه مدیران است و بر اساس نظریه دوم، ماهیت هزینه‌ها در کسب و کار به گونه‌ای است که هم‌زمان و به سرعت کاهش در فروش، کاهش نمی‌یابند و ربطی به مدیریت ندارند. دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص شدت عدم تقارن رفتار هزینه‌ها مطرح شده است که از آن جمله می‌توان تمایل مدیریت به حفظ ظرفیت منابع در دوره‌های کاهش درآمد به دلیل عدم تمایل به تحمل هزینه‌های تعدیل منابع و تجهیز مجدد منابع را بیان کرد (هارتلیب و لوی، ۲۰۱۷). سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان و سایر اعتبار دهندگان، استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی هستند. تصمیم‌گیری‌های صحیح توسط این گروه‌ها مستلزم این است که اطلاعات فراهم شده توسط گزارشگری مالی از خصوصیات کیفی برخوردار باشند. قابلیت مقایسه یک خصوصیت کیفی منحصر به فرد اطلاعات مالی است که سودمندی آن را موقع اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی افزایش می‌دهد. قابلیت مقایسه، یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی است که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین اقلام صورت‌های مالی را بررسی کنند و ارزیابی منطقی‌تری از فرصت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری یا اعطای وام به‌عمل آورند. اهمیت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تا آنجا است که در بیانیه مفهومی شماره ۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی، یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به استانداردهای گزارشگری مالی، افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی گزارش‌شده، بیان گردیده است. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران (۱۳۹۰) نیز اشاره شده است که اگر اطلاعات مربوط و قابل اتکا باشد، در صورت مقایسه پذیر و فهم پذیر بودن، مفید بودن آن دچار محدودیت خواهد بود. دو شرکت، سیستم حسابداری قابل مقایسه دارند چنانچه برای مجموعه‌ای مفروض از رویدادهای اقتصادی، صورتهای مالی مشابهی تهیه کنند (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱). بر اساس نظریه نمایندگی، سهامداران در رابطه با رفتار نامتقارن هزینه‌ها، دو پیش‌بینی را در نظر می‌گیرند. از یک سو، انگیزه‌های قدرت طلبانه در حفظ هزینه‌ها در وضعیت موجود، موجب افزایش رفتار نامتقارن هزینه‌ها می‌شود و از سوی دیگر، انگیزه‌های مدیریت سود مدیران برای تحقق سود هدف در کاهش هزینه‌های فروش و اداری مزاد، موجب کاهش رفتار نامتقارن هزینه‌ها خواهد شد (دیرنک و همکاران، ۲۰۱۲). تمرکز بیش از حد سهامداران بر عملکرد و سود جاری، ممکن است انگیزه‌هایی را برای خوش‌بینی مدیریت در ارائه سود حسابداری جهت نیل به اهداف کوتاه مدت، فراهم آورد. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی این اطمینان را به استفاده‌کنندگان می‌دهد که نحوه انعکاس رویدادهای اقتصادی مشابه در گزارش‌های مالی یک شرکت با شرکت‌های صنعت، همخوانی دارد. تشابه رویه‌های حسابداری شرکت‌ها ممکن است در رفتار هزینه‌های آنها نیز نمایان باشد زیرا سود حسابداری شرکت‌ها برآیند تقابل درآمدها و هزینه‌ها است. با مطالعه ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها می‌توان به پرسش‌هایی از این قبیل که رفتار نامتقارن هزینه‌ها آیا به ماهیت صنعت و چشم‌اندازهای آتی آن مربوط می‌شود یا اینکه جنبه فرصت طلبی دارد، پاسخی علمی ارائه نمود. در این میان، سرمایه‌گذاران نهادی یکی از سازوکارهای مؤثر حاکمیت شرکتی هستند و این گروه با توجه به مالکیت بخش عمده‌ای از سهام می‌توانند بر عملکرد مدیریت شرکت نظارت لازم را داشته باشند. رفتار نامتقارن هزینه‌ها ممکن است ناشی از سیستم‌های متفاوت حاکمیت شرکتی باشد. حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند مساله نمایندگی و انگیزه‌های مدیران برای پیشبرد منافع خود با هزینه سهامداران را کاهش دهد. پژوهش‌های پیشین با بررسی تاثیر انواع مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی پرداخته، سودمندی مکانیزم‌های حاکمیت

شرکتی در کاهش مساله نمایندگی را تایید می کنند. و سهامداران نهادی یکی از مکانیزم اصلی حاکمیت شرکتی هست که می توانند نظارت موثر و کارآمدی بر رفتار مدیران داشته باشند (آقایی و حسنی، ۱۳۹۳). از این رو پژوهش حاضر قصد دارد علاوه بر قابلیت مقایسه صورت های مالی، نقش سرمایه گذاران نهادی به عنوان یکی از ارکان مهم نظام راهبری شرکتی در رفتار نامتقارن هزینه ها را نیز مورد مطالعه قرار دهد تا مشخص شود که هر کدام از این دو مکانیزم نظارتی آیا نقش مکمل را برای هم دارند یا دارای نقش جایگزین هستند؟ این مطالعه با شناسایی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و رفتار نامتقارن هزینه ها و نقش تعدیل کنندگی سرمایه گذاران نهادی به توسعه ادبیات مربوط به رفتار هزینه ها کمک می نماید. ادامه مطالب به ترتیب، مبانی نظری، پیشینه پژوهش، روش شناسی پژوهش و تعریف عملیاتی متغیرها توضیح داده می شود و پس از گزارش آزمون فرضیه ها و نتیجه گیری، در نهایت با ارائه پیشنهادهایی، مقاله خاتمه می یابد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس تئوری های مدیریت هزینه، موضوع رفتار هزینه به مطالعه اقلام عمده هزینه ها، تغییرات آنها در طول زمان و شناسایی عوامل و محرک های ایجاد تغییر در هزینه ها و قابلیت پیش بینی و کنترل آنها می پردازد. کسب آگاهی از رفتار هزینه ها برای برنامه ریزی و مدیریت سودآوری و حفظ پایداری واحد تجاری در عرصه رقابت از اهمیت زیادی برخوردار است. دیدگاه سنتی مدیریت هزینه معتقد است که در حالت کلی هزینه ها تابعی از حجم فعالیت و درآمد شرکت هستند. دیدگاه سنتی رفتار هزینه بیان می کند که رابطه ای مستقیم میان محرک هزینه و هزینه وجود دارد (گریسون و همکاران، ۲۰۱۵). با انجام پژوهش های بیشتر، دیدگاه سنتی اصلاح شده و منجر به این دیدگاه شد که هزینه ها به وسیله منابع ایجاد می شوند و وجود چنین منابعی برای انجام چندین فعالیت، لازم و ضروری هستند (کوپر و کاپلان، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۲). همچنین، این فرض پذیرفته شده بود که یک رابطه مکانیکی میان فعالیت ها و هزینه ها وجود دارد و به دنبال بررسی نقش مدیران در رفتار هزینه ها نبودند. مطالعات جدید رفتار هزینه ها نشان می دهند که در بسیاری از موارد، رابطه حجم فعالیت یا حجم درآمد با میزان هزینه ها یک رابطه متقارن نیست و حالت نامتقارن دارد که شدت این عدم تقارن در میان شرکت های مختلف متفاوت است و این موضوع با تئوری چرخ دنده ای درآمد و هزینه در ارتباط می باشد. رفتار نامتقارن هزینه، پدیده ای را توصیف می کند که نشان می دهد مدیران، هنگام افزایش منابع در زمان افزایش فروش، به سرعت واکنش نشان می دهند اما هنگام کاهش تقاضا، مایل به کاهش ظرفیت بلا استفاده نیستند. بررسی رفتار هزینه ها و ریشه یابی آن به عنوان یک حوزه مهم در حسابداری در سال های اخیر پدیدار شده است. در دیدگاه مدرن، تصمیمات مدیران به عنوان یک محرک بنیادی در رفتار هزینه ها در نظر گرفته می شود (بنکر و همکاران، ۲۰۱۳؛ محفوظی و همکاران، ۱۳۹۷). دست یابی به دانش رفتار هزینه ها در تمامی سطوح هزینه و فعالیت های حسابداری مدیریت، به ویژه در سطح کنترل هزینه ها، برنامه ریزی و تصمیم گیری ضروری است. با وجود سازه های زیادی که بر مقدار هزینه ها اثر می گذارند، سطح فعالیت ها تأثیر بسزایی در مقدار هزینه ها دارند. سطح فعالیت به روش های مختلفی مانند تن واحد تولیدی، ساعات کار، ساعات استاندارد، فروش و غیره بیان می شود. مطابق با نظریه سنتی رفتار هزینه ها، میزان هزینه ها متناسب با سطح فعالیت ها تغییر می کنند و پیش بینی رفتار هزینه ها بر مبنای اطلاعات گذشته انجام می شود. به طور کلی، تحلیل رفتار هزینه ها برای برنامه ریزی و تصمیم گیری با استفاده از اطلاعات کوتاه مدت مانند سه ماهه، شش ماهه و یک ساله انجام می شود. دلیل این امر آن است که در بلندمدت، روش، تکنولوژی، محیط و شرایط دگرگون شده و نمی توان برآورد دقیقی از ماهیت رفتار هزینه ها داشت (لوپز، ۲۰۰۲). از یک دیدگاه، شرکت های دارای رفتار نامتقارن هزینه به دو گروه کارآمد (اخبار مثبت) و ناکارآمد (اخبار منفی) تقسیم می شوند. شرکت های دارای رفتار نامتقارن کارآمد به آن گروه از شرکت ها گفته می شود که فروش فعلی آنها کاهش یافته است اما انتظار می رود که فروش آنها در آینده نزدیک به سطح قبلی بازگردد. بنابراین، این شرکتها از این نظر کارآمد هستند که

تحمل هزینه های اضافی با اجتناب از هزینه های تعدیل منابع، منافی برای شرکت در آینده به وجود می آورد (سپاسی و کاظم پور، ۱۳۹۵). شرکت های دارای رفتار نامتقارن ناکارآمد نیز به آن گروه از شرکت ها گفته می شود که علیرغم کاهش فروش فعلی و عدم انتظار افزایش مجدد فروش در آینده، با انگیزه های فرصت طلبانه و متضرر ساختن مالکان، در هزینه های خود تعدیل متناسب با کاهش درآمد، ایجاد نمی کنند. شناسایی کارآمدی یا ناکارآمدی رفتار نامتقارن هزینه ها در یک شرکت نیز مستلزم گذشت زمان و ارزیابی رویدادهای متعاقب آن خواهد بود. سهامداران و اعتبار دهندگان از استفاده کنندگان مهم گزارشهای مالی برای تصمیم گیری های اقتصادی هستند. تصمیم گیری صحیح و منطقی از طرف این گروه ها مستلزم دسترسی به اطلاعات مالی با کیفیت می باشد. قابلیت مقایسه یکی از ویژگی های مهم گزارشگری مالی است که کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس برای سرمایه گذاران را افزایش می دهد و به آنها امکان می دهد از طریق ارزیابی عملکرد گذشته شرکت، عملکرد آتی را با دقت بیشتری پیش بینی کنند و بر مبنای آن تصمیم بگیرند (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱). قابلیت مقایسه صورت های مالی، یکی از ویژگی های کیفی گزارشگری مالی است که موجب افزایش کیفیت افشا می شود (چوی و همکاران، ۲۰۱۳) و افزایش کیفیت افشا، پیامدهای مطلوبی از جمله کاهش هزینه سرمایه سهام عادی شرکت را به همراه دارد (پورزمانی و منصور، ۱۳۹۴). سطوح بالاتر مقایسه پذیری موجب بهبود محیط اطلاعاتی مدیران و کیفیت گزارشگری مالی می شود (حاجیها و چناری، ۱۴۰۲). قابلیت مقایسه، دسترسی به اطلاعات شرکت های دیگر از کشورهای مختلف را برای سرمایه گذاران خارجی تسهیل کرده و بنابر این، فهم اطلاعات صورت های مالی را برای سرمایه گذاران آسان می سازد و موجب تخصیص بهینه منابع می شود. کیم و همکاران (۲۰۱۶) استدلال می کنند که سرمایه گذاران با دسترسی به اطلاعات شرکت های قابل مقایسه و توانایی برای شناخت آنها، نه تنها می توانند شناخت بهتری از عملکرد شرکت داشته باشند، بلکه همچنین می توانند اطلاعات مربوط به ارزش شرکت را از طریق استنتاج های خود بر اساس عملکرد شرکت و افشای اطلاعات شرکت های قابل مقایسه، به دست بیاورند. به عنوان مثال، در صورت عدم افشای اخبار بد برای یک شرکت خاص، سرمایه گذاران می توانند حداقل برخی از اطلاعات منفی را از طریق استنتاج خود از طریق عملکرد شرکت و یا افشای اطلاعات شرکت های قابل مقایسه، به دست بیاورند. هیات استانداردهای حسابداری مالی (۲۰۱۰) بیان می کند که اگر صورت های مالی قابل مقایسه نباشند، سودمند نخواهند بود و اگر صادقانه بیان نشده باشند، ممکن است منحرف کننده باشند. بنابراین، مزیت قابلیت مقایسه می تواند تحت شرایط خاصی آسیبزا باشد. با طرح این فرضیه، می توان فرض کرد که قابلیت مقایسه منجر به آن نمی شود که شرکت ها تلاش کنند تا عملکرد یکدیگر را تقلید کنند. با این وجود، رفتار بد می تواند ناشی از سوء رفتار در بین شرکت های همکار باشد و یا به سادگی می تواند ناشی از تمایل این شرکت ها به ساخت صورت های مالی قابل مقایسه باشد. شرکت هایی که صورتهای مالی قابلیت مقایسه ای دارند، عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه با سهام آنها کمتر است. هر چه عدم تقارن اطلاعاتی در یک بازار بیشتر باشد، یا به عبارتی بازار غیرشفاف تر باشد، کارایی آن کمتر خواهد بود و نسبت تعداد مبادلات موفق کاهش خواهد یافت. قابلیت مقایسه صورتهای مالی مختص یک شرکت خاص نیست، چرا که ماهیت مقایسه به گونه ای است که باید از اطلاعات سایر شرکت های هم صنعت نیز استفاده کرد، در این صورت قابلیت مقایسه بیشتر می تواند منجر به افزایش اطلاعات صنعت/ بازار شده و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یابد (گودون، ۲۰۱۲). با توجه این مبانی نظری، انتظار می رود با افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی، عملکرد مالی شرکت ها به نحو روشن تری گزارش شود و زمینه اقدامات فرصت طلبانه برخی از مدیران در تحمیل هزینه های اضافی و به وجود آوردن رفتار نامتقارن برای هزینه ها مرتفع گردد؛ به علاوه، اگر چنانچه رفتار نامتقارن هزینه ها جنبه مثبت داشته و به امید افزایش مجدد درآمدها و سطح فعالیتها در دوره های آینده بوده باشد، قابل مقایسه بودن اطلاعات مالی شرکت با شرکت های مشابه صنعت، موجب آشکار شدن هر چه بهتر این موضوع می شود.

یکی از ساز و کارهای کنترل بیرونی موثر بر حاکمیت شرکتی که دارای اهمیت فزاینده‌ای بوده، ظهور سرمایه‌گذاران نهادی است. طبق نظر گیلان و استارکس (۲۰۰۳)، سهامداران نهادی نقش اصلی را در شکل‌گیری بسیاری از تغییرات در سیستم‌های حاکمیت شرکتی دارند. این گروه از سهامداران با توجه به مالکیت بخش درخور توجهی از سهام شرکت‌ها از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در شرکت‌ها برخوردار هستند و می‌توانند رویه‌های آنها (شامل رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی و رویه‌های تصمیم‌گیری) را تحت تأثیر قرار دهند. سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ... هستند. پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاران نهادی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ایجاد فضای شفاف، نقش قابل توجهی را ایفا می‌کنند (الیاسیانی و جیا، ۲۰۰۸). سرمایه‌گذاران نهادی به دو دسته منفعل و فعال تقسیم می‌شوند. سرمایه‌گذاران نهادی منفعل دارای گردش پرتفوی بالایی بوده و استراتژی معاملاتی لحظه‌ای دارند اما سرمایه‌گذاران نهادی فعال دارای گردش پرتفوی پایینی هستند و با هدف بلندمدت و به دست آوردن توان کنترل، کنترل مشترک یا نفوذ موثر بر سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکت‌های سرمایه‌پذیر به تحصیل سهام شرکت‌ها اقدام می‌کنند. فرضیه نظارت کارا بر عملکرد مدیریت شرکت‌ها ناظر بر سرمایه‌گذاران نهادی فعال می‌باشد. بیانیه شماره ۲ مفاهیم هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی بیان می‌کند که تصمیمات سرمایه‌گذاری و اعطای وام، مستلزم ارزیابی فرصت‌های جایگزین می‌باشند و اگر اطلاعات قابل‌مقایسه موجود نباشند، این تصمیمات نمی‌توانند به‌طور منطقی اتخاذ شوند. فراهم آوردن شرایطی که بتوان اطلاعات مالی دوره‌های مختلف یک واحد تجاری و یا اطلاعات مالی چندین واحد تجاری را با یکدیگر مقایسه کرد، باعث می‌شود تا استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بتوانند نقاط قوت و ضعف و وضعیت مالی واحد تجاری را به‌طور نسبی ارزیابی کنند. بررسی روند سودآوری یک واحد تجاری در دوره‌های مختلف و نیز مقایسه آن با روند سودآوری سایر واحدهای تجاری مشابه، برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ اگر صورت‌های مالی دوره جاری، سود بیشتری را نسبت به دوره قبل و یا واحد تجاری مشابه نشان دهند، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی چنین می‌پندارند که واحد مذکور در مقایسه با سال‌های گذشته خود و یا در مقایسه با واحدهای تجاری مشابه، خدمات و محصولات بیشتری را ارائه و تولید نموده، درحالی‌که ممکن است افزایش سود منحصراً ناشی از تغییرات حسابداری بوده باشد و برداشت اشتباه استفاده‌کننده از صورت‌های مالی، ناشی از عدم قابلیت مقایسه آن‌ها با صورت‌های مالی سنوات قبل و واحدهای تجاری مشابه بوده است. صورت‌های مالی قابل مقایسه، این امکان را فراهم می‌آورد که الگوی اندازه‌گیری و گزارشگری درآمدها و هزینه‌ها در شرکت‌های مختلف به هم بسیار نزدیک باشد و با فراهم شدن امکان مقایسه ساختار درآمدها و هزینه‌ها در شرکت‌های یک صنعت، انگیزه‌های فرصت‌طلبی مدیران در ایجاد رفتار نامتقارن برای هزینه‌ها تا حدود زیادی مهار شود. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، خصوصیات کیفی مختلفی برای ارائه صورتهای مالی ارائه شده است. شناخت هزینه متضمن ملاحظه این امر است که آیا شواهد کافی مبنی بر وقوع کاهش در حقوق صاحبان سرمایه قبل از پایان دوره مورد گزارش وجود دارد یا خیر. اعمال احتیاط موجب می‌گردد که برای شناخت هزینه در مقایسه با شناخت درآمد، به شواهد وقوع و میزان اتکاپذیری اندازه‌گیری کمتری نیاز باشد. این رویکرد موجب ایجاد عدم تقارن زمانی در شناسایی درآمدها و هزینه‌ها می‌شود که به‌طور کلی، از آن تحت عنوان محافظه‌کاری یاد می‌کنند (محمدی و زنجیردار، ۱۳۹۷). خصوصیت کیفی قابلیت مقایسه در شناسایی عدم تقارن زمانی درآمد و هزینه بر اثر کاربرد مفهوم احتیاط در گزارشگری درآمدها و هزینه‌ها و تفکیک آن از پدیده رفتار نامتقارن هزینه‌ها به دلیل انگیزه فرصت‌طلبی مدیران نیز کمک می‌نماید. از یک دیدگاه، رفتار نامتقارن هزینه‌ها ممکن است ناشی از سیستم‌های ضعیف حاکمیت شرکتی باشد. حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند با برقراری تعادل منطقی بین منافع مدیران و مالکان و با کمک ابزارهای نظارتی کافی و فراهم نمودن شرایط پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان، انگیزه‌های مدیران برای پیشبرد منافع خود با هزینه سهامداران را کاهش دهد. پژوهش‌های پیشین، تأثیر مثبت و سازنده

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و سودمندی آن در کاهش مساله نمایندگی را تایید می‌کنند. سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان یکی از اجزاء مهم مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی هستند که می‌توانند نظارت موثر و کارآمدی بر رفتار مدیران داشته باشند (آقایی و حسنی، ۱۳۹۳)، موجبات افزایش کارایی سرمایه‌گذاری شوند (مشایخ و همکاران، ۱۴۰۲) و رفتار نامتقارن هزینه‌ها که منبعث از رابطه نمایندگی می‌باشد را کاهش دهند (صفرزاده، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به مبانی نظری و ادبیات، انتظار می‌رود حضور پر رنگ مالکان نهادی همراه با ارائه صورت‌های مالی قابل مقایسه بتواند به بهبود رفتار هزینه‌ها در جهت تامین منافع شرکت و سهامداران منجر شود.

کیم و ژو (۲۰۲۳) تاثیر رفتار نامتقارن هزینه‌ها بر قراردادهای وام بانکی را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که رفتار نامتقارن هزینه‌ها در شرکت‌ها موجب افزایش شرایط بانک‌ها برای اعطای وام می‌شود و نیاز به نظارت قبل از اعطای وام را افزایش می‌دهد. همچنین شدت این ارتباط در شرکت‌هایی که از ریسک نکول و ریسک اطلاعاتی بالاتر برخوردار هستند، بیشتر می‌باشد. کائو و همکاران (۲۰۲۲) نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در قیمت‌گذاری اوراق قرضه را مورد پژوهش قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که شکاف انتشار اوراق قرضه جدید در میان شرکت‌هایی که دارای صورت‌های مالی قابل مقایسه هستند تا میزان شکاف بازده اوراق قرضه منتشر شده موجود کاهش می‌یابد. ماکنی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر رفتار نامتقارن هزینه‌ها و پیامدهای آن بر محافظه‌کاری حسابداری بر اساس یک نمونه از هجده کشور جهان طی سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۱۵ پرداختند و دریافته‌اند که بین رفتار نامتقارن هزینه‌ها و محافظه‌کاری مشروط در چارچوب قوانین بین‌المللی ارتباط وجود دارد و این رابطه در گروه‌ها و کشورها در صنایع مختلف نیز تغییر می‌کند. ابودی و شوست (۲۰۱۹) در پژوهش خود، با عنوان رفتار هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در شرکت‌های خانوادگی، با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۳۰۹۶ شرکت - سال مشاهده طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ دریافته‌اند که شرکت‌های خانوادگی برخلاف شرکتهای غیر خانوادگی از رفتار ضدچسبندگی هزینه برخوردارند. هارتلیب و لوی (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین رفتار نامتقارن هزینه‌ها و هموارسازی سود پرداختند و یافته‌های آنها نشان داد که رفتار نامتقارن هزینه‌ها نسبت به تغییرات در سطح فعالیت شرکت با رفتار فرصت‌طلبانه مدیران جهت هموارسازی سود ارتباط معنادار ندارد. چوی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، توانایی بازده دوره جاری در انعکاس سودهای آتی اندازه‌گیری شده از طریق ضریب واکنش سودهای آتی را افزایش می‌دهد. همچنین، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، آگاهی بخشی قیمت سهام را بهبود داده و باعث می‌شود سرمایه‌گذاران عملکرد آتی شرکت را بهتر پیش‌بینی نمایند. کمپبل و یونگ (۲۰۱۷) در پژوهشی شواهد تجربی فراهم کردند که قابلیت مقایسه سود، شامل انتخاب‌ها و برآوردهای حسابداری شرکت‌ها است که تعدیلات مشابهی دارند. آنها دریافته‌اند که سرمایه‌گذاران واکنش کمتری به مفاهیم قابلیت مقایسه سود نشان می‌دهند. چن و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و کارایی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران پرداختند. آنها دریافته‌اند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به خریداران کمک می‌کند تا تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بهتری اتخاذ کنند و تخصیص سرمایه را به نحو مطلوب انجام دهند. هاشمی پور نصری و همکاران (۱۴۰۲) با مطالعه تاثیر عوامل ناشی از ساختار سیاسی - اقتصادی کشور بر میزان چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها به این نتیجه دست یافتند که انتخابات سیاسی کشور، ساختار مالکیت دولتی، رشد تولید ناخالص داخلی، ارتباطات سیاسی و میزان تورم حاکم بر کشور بر چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها تاثیر گذار هستند. حمیدیان و اسحق‌قی (۱۴۰۱) در پژوهشی تاثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ارتباط ارزشی سود و ارزش دفتری هر سهم را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ارتباط ارزشی سود هر سهم را افزایش می‌دهد اما ارتباط ارزشی ارزش دفتری هر سهم را کاهش می‌دهد. قدرتی زوارم و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی اثر هموارسازی سود و ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه‌ها را

مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که مالکیت سهامداران نهادی موجب کاهش چسبندگی هزینه ها و هموارسازی سود موجب افزایش چسبندگی هزینه ها می شود. همه خانی و رویایی (۱۴۰۱) در پژوهشی نشان دادند که بین ریزفرهنگ ها (شامل مردگرایی، فردگرایی، فاصله قدرت و اجتناب از عدم اطمینان) و پدیده چسبندگی هزینه ها ارتباط وجود دارد. سامانیان و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به مطالعه تاثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره و تحریم های اقتصادی بر چسبندگی هزینه پرداختند. یافته های این پژوهش نشان می دهد در شرکت هایی که دارای روابط سیاسی هستند رفتار نامتقارن هزینه ها کاهش می یابد و همچنین تحریم های اقتصادی موجب افزایش رفتار نامتقارن هزینه ها می شود. به علاوه، وجود مالکان نهادی موجب کاهش شدت رفتار نامتقارن هزینه ها می شود. جعفری و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی پیامدهای قابلیت مقایسه صورت های مالی از دیدگاه سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان با تاکید بر نقش مالکیت نهادی پرداختند. برای اندازه گیری قابلیت مقایسه صورت های مالی از سه معیار سود خالص، جریان های نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی اختیاری استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ می باشد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که الف- قابلیت مقایسه جریان های نقدی عملیاتی بر بازده سالانه سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد و این ارتباط توسط مالکیت نهادی تعدیل می شود؛ ب- قابلیت مقایسه سود خالص بر نوسان پذیری بازده سهام تأثیر منفی و معناداری دارد و این ارتباط توسط مالکیت نهادی تعدیل می شود و ج- قابلیت مقایسه سود خالص و قابلیت مقایسه جریان های نقدی عملیاتی بر اعتبار تجاری تأثیر معناداری دارند، اما نقش تعدیل کننده مالکیت نهادی در این رابطه ها به لحاظ آماری تأیید نشد. فرجی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی قابلیت مقایسه صورتهای مالی و سیاست تقسیم سود با تاکید بر نقش تعدیل کننده محدودیت های مالی و سهامداران نهادی پرداختند. یافته های پژوهش حاکی از ارتباط مثبت و معنی دار بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و تقسیم سود بالاتر است. این نتیجه مؤید این دیدگاه است که قابلیت مقایسه صورت های مالی می تواند هزینه های نمایندگی ناشی از جریانهای نقد آزاد را کاهش داده و منجر به تقسیم سود بیشتر شرکتها (مدیران) شود. همچنین نتایج نشان می دهد که ارتباط مثبت بین قابلیت مقایسه و تقسیم سود در شرکت هایی که با محدودیت مالی مواجه هستند برجسته تر بوده و محدودیت مالی به صورت معناداری ارتباط مزبور را تعدیل می کند. از سوی دیگر نتایج به دست آمده حکایت از عدم تاثیر تعدیلگر سهامداران نهادی بر رابطه قابلیت مقایسه و سیاست تقسیم سود دارد. طاهری عابد و عابدی (۱۳۹۹) در بررسی رابطه بین استراتژی های شرکت، توانایی مدیریت و چسبندگی هزینه ها به این نتیجه رسیدند که بین استراتژی شرکت و چسبندگی هزینه و همچنین توانایی مدیریت و چسبندگی هزینه رابطه معناداری وجود ندارد. حسینی پور و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی عوامل تعیین کننده رفتار نامتقارن هزینه ها به این نتیجه رسیدند که هزینه های تعدیل و هزینه های نمایندگی دارای رابطه مثبت با رفتار نامتقارن هزینه ها هستند، اما هزینه های سیاسی و حاکمیت شرکتی با رفتار نامتقارن هزینه ها رابطه منفی دارند. حامد و قنبری (۱۳۹۷) به مطالعه تاثیر مالکیت نهادی بر چسبندگی هزینه ها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مالکیت نهادی با چسبندگی هزینه رابطه منفی و معناداری دارد. محمدی و زنجیردار (۱۳۹۷) به مطالعه رابطه انواع مالکان نهادی، محافظه کاری حسابداری و چسبندگی هزینه پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که رابطه معنادار و مثبت بین سرمایه گذاران نهادی و سرمایه گذاران نهادی منفعل و محافظه کاری حسابداری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد که چسبندگی هزینه بر رابطه بین سرمایه گذاران نهادی و سرمایه گذاران نهادی منفعل و محافظه کاری تأثیر مثبت دارد. نوروزی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط بین مالکیت نهادی و چسبندگی هزینه ها در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد یک رابطه مثبت بین مالکیت نهادی و چسبندگی هزینه های فروش وجود دارد. بنابراین در مورد هزینه های عمومی و اداری می توان نتیجه گرفت که چسبندگی هزینه شرکتهای مورد مطالعه در کنترل مدیریت نیست و مدیران و حاکمیت شرکتی تأثیری بر این موضوع ندارد و در مورد هزینه های فروش، مدیران درصدد

جلوگیری از زیان‌های مربوط به از دست رفتن فرصت‌ها هستند و چون تحصیل مجدد منابع نیازمند صرف زمان و هزینه مضاعف است، در صورتی که شرکت با کاهش فروش در دوره جاری مواجه گردد همچنان امکانات و سطح هزینه‌ها را به امید افزایش فروش در دوره‌های آتی بالا نگه می‌دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه ارائه شده، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر طرح می‌شود:

- ۱- بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها ارتباط وجود دارد.
- ۲- مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی بر ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها تاثیر دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش و ماهیت از نوع تحقیق همبستگی و علی پس از وقوع است. در این پژوهش برای مطالعه مبانی نظری و بررسی پیشینه، از روش کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتب و مقالات تخصصی فارسی و لاتین و پایان‌نامه‌ها استفاده می‌شود و برای پذیرش یا عدم پذیرش فرضیه‌های پژوهش با به‌کارگیری روش‌های آماری مناسب، از استدلال استقرایی در تعمیم نتایج استفاده می‌گردد. از آنجایی‌که اطلاعات مربوط به متغیرهای این پژوهش شامل بسیاری از اقلام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها می‌باشد، داده‌های موردنیاز از صورت‌های مالی موجود در سایت‌های مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی وابسته به سازمان بورس و اوراق بهادار^۱ و شبکه کدال^۲، سیستم‌های جامع اطلاع‌رسانی ناشران^۳، مرکز پردازش اطلاعات مالی ایران^۴ و لوح‌های فشرده سازمان بورس و اوراق بهادار به صورت دستی استخراج می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری شرکت‌های تولیدی در بورس اوراق بهادار تهران و در نظر گرفتن شرایط اعمال شده به صورت زیر، جامعه در دسترس به طور کامل به عنوان نمونه آماری به منظور رسیدن به بیشترین مشاهدات جهت تجزیه و تحلیل آماری، انتخاب می‌گردد:

(۱) جزء شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی، از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و موسسات مالی نباشند به دلیل این‌که این موسسات از لحاظ ماهیت فعالیت، متفاوت بوده و درآمد اصلی آن‌ها حاصل از سرمایه‌گذاری است و وابسته به فعالیت سایر شرکت‌ها هستند، لذا ماهیتاً با سایر شرکت‌ها متفاوت می‌باشند و بنابراین، از نمونه مورد بررسی حذف خواهند شد.

(۲) دوره مالی آن‌ها منتهی به ۱۲/۲۹ هر سال باشد تا بتوان داده‌ها را در کنار یکدیگر و در صورت نیاز، به صورت پانلی مورد تحلیل قرار داد.

(۳) توقف معاملاتی بیش از شش ماه نداشته باشند.

(۴) به دلیل نیاز به داده‌های سه سال قبل، شرکت‌های مورد نظر حداقل از سه سال قبل از شروع دوره تحقیق یعنی از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته باشند.

نحوه انتخاب نمونه آماری در جدول ۱ نشان داده می‌شود:

- 1- www.rdis.ir
- 2- [codal](http://codal.com)
- 3- www.codal.ir
- 4- www.fipiran.com

جدول ۱- حذف سیستماتیک و انتخاب نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک

بند محدودیت	جامعه آماری در سال ۱۳۹۹	۴۳۳
۱	بانک، بیمه و سرمایه گذاری ها	(۱۴۷)
۲	نداشتن سال مالی منتهی به آخر اسفند	(۴۶)
۳	توقف معاملاتی	(۴۸)
۴	عدم دسترسی به داده به علت بازه زمانی	(۴۳)
	نمونه آماری پژوهش	۱۳۹

منبع: WWW.TSETMC.COM

مدل رگرسیونی جهت آزمون فرضیه های پژوهش حاضر به صورت رابطه (۱) می باشد:

$$\log\left(\frac{SG\&Ait}{SG\&Ait-1}\right) = \beta_0 + \beta_1 \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) + \beta_2 DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) + \beta_3 Compare + \beta_4 \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * Compare + \beta_5 DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * Compare + \beta_6 SIZE + \beta_7 \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * SIZE + \beta_8 DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * SIZE + \beta_9 LEV + \beta_{10} \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * LEV + \beta_{11} DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * LEV + U\ it$$

رابطه (۱)

برای آزمون فرضیه اول، نتایج مربوط به ضریب β_5 مورد تحلیل قرار می گیرد. برای آزمون فرضیه دوم، ابتدا نمونه پژوهش بر اساس درصد مالکیت نهادی و از روی میانه مشاهدات به دو گروه مالکیت نهادی بالا و پایین تقسیم شده و سپس مدل فوق در هر دو مدل اجرا و ضریب β_5 بین دو گروه با استفاده از آزمون تفاوت ضرایب، مقایسه خواهد شد.

رفتار نامتقارن هزینه ها (متغیر وابسته)

زمانی که میزان کاهش هزینه ها به هنگام کاهش فروش، کمتر از میزان افزایش هزینه ها به هنگام همان میزان افزایش فروش باشد، به این رفتار هزینه ها، چسبندگی هزینه ها گفته می شود (کردستانی و مرتضوی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر به تبعیت از آقایی و حسنی (۱۳۹۳) از رابطه (۲) برای اندازه گیری چسبندگی هزینه ها استفاده شده است:

$$\log\left(\frac{SG\&Ait}{SG\&Ait-1}\right) = \beta_0 + \beta_1 \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) + \beta_2 DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) + U\ it$$

رابطه (۲)

SG&A = مجموع هزینه های عمومی، اداری و فروش

SALES = فروش شرکت

DecDummy = اگر فروش سال جاری نسبت به سال قبل کاهشی باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر.

قابلیت مقایسه صورت های مالی (متغیر مستقل)

برای اندازه گیری قابلیت مقایسه صورت های مالی از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده می شود. در این مدل دو شرکت زمانی مشابه در نظر گرفته می شوند که برای مجموعه ای از رویدادهای اقتصادی یکسان (مثل بازده)، گزارش مالی (مثل سود حسابداری) مشابهی ارائه کرده باشند. برای اندازه گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت J و i ابتدا

برای هر شرکت- سال مدل رگرسیونی به شرح رابطه (۳) با استفاده از داده های سری زمانی (شش ماهه) برای دوره سه ساله اخیر منتهی به پایان سال t برآورده می شود:

$$\text{Earning}_{i,k} = \alpha_i + \beta_i \text{Return}_{i,k} + \varepsilon_{i,k}$$

رابطه (۳)

که در آن $\text{Earning}_{i,k}$ سود خالص شرکت i در شش ماه k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای شش ماه و $\text{Return}_{i,k}$ بازده سهام شرکت i در شش ماه k .

ضرایب برآورد شده از رابطه (۳) برای هر شرکت - سال، معیاری از عملیات حسابداری آن شرکت است یعنی $\hat{\alpha}_i$ و $\hat{\beta}_i$ نشان دهنده عملیات حسابداری شرکت i و ضرایب $\hat{\alpha}_j$ و $\hat{\beta}_j$ معرف عملیات حسابداری شرکت j است. شباهت بین عملیات حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می دهد. به منظور برآورد تفاوت بین عملیات حسابداری دو شرکت j و i از مفهوم قابلیت مقایسه (ارائه گزارش های مشابه درباره مجموعه ای از رویداد های مشابه) استفاده می شود. از این رو، در هر سال از طریق رابطه های (۴) و (۵) سود شرکت i به طور جداگانه یک بار با ضرایب خود شرکت i و یک بار با ضرایب شرکت j ، اما با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه پیش بینی می شود.

$$E(\text{Earning})_{ii,k} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i \text{Return}_{i,k} + \varepsilon_{i,k}$$

رابطه (۴)

$$E(\text{Earning})_{ij,k} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_j \text{Return}_{i,k} + \varepsilon_{i,k}$$

رابطه (۵)

سپس قابلیت مقایسه بین دو شرکت j و i در سال t از طریق رابطه (۶) محاسبه می شود.

$$\text{COMACC}_{ij,t} = \frac{-1}{6} \sum_{k=1}^6 |E(\text{Earning})_{ii,k} - E(\text{Earning})_{ij,k}|$$

مقدار ریاضی بیشتر برای $\text{COMACC}_{ij,t}$ نشان دهنده قابلیت مقایسه بیشتر بین دو شرکت است. به طریق مشابه برای هر سال و هر جفت شرکت i با شرکت های j عضو یک صنعت، معیار $\text{COMACC}_{ij,t}$ محاسبه می شود و میانگین ۴ عدد بزرگ تر محاسبه شده برای آن، معیار قابلیت مقایسه خاص شرکت i تعریف می شود.

مالکیت سرمایه گذاران نهادی (متغیر تعدیل گر)

مالکیت سرمایه گذاران نهادی برابر با میزان درصد تحت تملک سرمایه گذاران نهادی است. سرمایه گذار نهادی طبق موضوع بند ۲۷ ماده یک قانون بورس اوراق بهادار عبارتند از:

۱. بانک‌ها و بیمه‌ها.

۲. شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری.

۳. هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد.

۴. سازمان و نهادهای دولتی و عمومی و شرکت های دولتی.

۵. اعضای هیئت مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): اندازه شرکت معیاری برای گستردگی حجم عملیات شرکت محسوب می شود. بر اساس تئوری های اثباتی حسابداری، اندازه شرکت ارتباط تنگاتنگی با هزینه های سیاسی دارد و با افزایش اندازه شرکت ها، توجه حاکمیت و سایر گروه ها بر عملکرد آن ها افزایش می یابد زیرا منافع مستقیم یا غیرمستقیم عموم جامعه با فعالیت شرکت های بزرگ گره می خورد و این شرکت ها در معرض ارزیابی و تحلیل عملکرد از طرف گروه های اجتماعی قرار می گیرند. بنابراین، انتظار می رود با بزرگ شدن اندازه شرکت ها، مکانیزم های نظارتی آن ها افزایش یابد و زمینه مدیریت صحیح هزینه ها فراهم گردد. در این پژوهش، اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی های شرکت در پایان دوره مالی محاسبه می شود (خوش طینت و براری، ۱۳۸۵).

اهرم مالی (LEV): اهرم مالی معیاری برای ریسک مالی شرکت محسوب می شود و از بکارگیری بدهی ها در ترکیب منابع مالی ایجاد می شود. اهرم مالی موجب افزایش هزینه های ثابت مالی می شود و حساسیت سودآوری شرکت نسبت به نوسانات درآمد و سود عملیاتی را افزایش می دهد. بر اساس تئوری قراردادهای بدهی، انتظار می رود با افزایش بدهی ها، نظارت اعتباردهندگان بر شرکت و فعالیت های مدیریت گسترش یابد و از اقدامات فرصت طلبانه جلوگیری گردد. اهرم مالی در این پژوهش از طریق تقسیم جمع بدهی به جمع دارایی ها به دست می آید (خوش طینت و فلاح، ۱۳۸۶).

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۲ آمار توصیفی داده های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میان	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
لگاریتم نسبت هزینه های عمومی، اداری و فروش سال جاری به سال قبل	۰,۰۸۴	۰,۰۸۴	۱,۴۰۳	-۱,۲۶۳	۰,۱۴۷	-۰,۴۴۴	۳۱,۱۸۱
لگاریتم نسبت فروش سال جاری به سال قبل	۰,۰۸۳	۰,۰۸۳	۰,۹۴۵	-۱,۱۶۱	۰,۱۵۰	-۰,۱۲۵	۱۱,۵۵۳
قابلیت مقایسه صورت های مالی	-۰,۱۵۵	-۰,۰۶۸	-۰,۰۰۶	-۰,۶۷۴	۰,۱۸۰	-۱,۲۲۸	۳,۳۱۴
مالکیت نهادی	۰,۶۹۱	۰,۷۳۷	۰,۹۹۰	۰,۰۹۰	۰,۱۹۵	-۱,۰۵۳	۳,۶۶۲
اندازه شرکت	۱۴,۵۷۵	۱۴,۲۸۷	۲۰,۱۸۳	۱۰,۶۷۱	۱,۵۳۱	۰,۸۵۰	۳,۹۰۸
اهرم مالی	۰,۵۵۲	۰,۵۵۷	۲,۰۷۷	۰,۰۱۲	۰,۲۱۹	۰,۲۱۸	۴,۷۶۴
متغیر مجازی کاهش فروش							
عنوان	فراوانی		درصد فراوانی				
۰	۸۵۳		۷۶,۷۱				
۱	۲۵۹		۲۳,۲۹				
جمع	۱۱۱۲		۱۰۰				

منبع: یافته های پژوهشگر

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای اهرم مالی برابر با (۰,۵۵۲) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر در آمار توصیفی کلی، برای اندازه شرکت برابر با ۱,۵۳۱ و برای بازده دارایی‌ها برابر با ۰,۱۴۲ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند.

آزمون مانایی متغیرها

یکی از نکاتی که باید قبل از برازش مدل‌ها در نظر داشت بررسی مانایی متغیرهای تحقیق می‌باشد. نامانایی متغیرها یا به عبارتی تصادفی بودن سری زمانی متغیرها منجر به کاذب شدن مدل رگرسیونی برآورد شده می‌گردد. اگر متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در برآورد ضرایب مدل، ناپایا باشند، در حالی که هیچ رابطه مفهومی بین متغیرهای مدل وجود نداشته باشد، موجب می‌شود تا استنباط‌های نادرستی در مورد میزان ارتباط بین متغیرها انجام گیرد.

جدول ۳- آزمون مانایی (هاری) برای متغیرهای پژوهش

نام متغیر	آماره آزمون	معناداری	نتیجه
لگاریتم نسبت هزینه‌های عمومی اداری و فروش سال جاری به سال قبل	۶,۶۳۷	۰,۰۰۰	مانا است
متغیر مجازی کاهش فروش			متغیر کیفی
لگاریتم نسبت فروش سال جاری به سال قبل	۷,۲۳۲	۰,۰۰۰	مانا است
قابلیت مقایسه	۱۲,۶۲۹	۰,۰۰۰	مانا است
مالکیت نهادی	۱۵,۱۰۲	۰,۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	۲۲,۳۱۵	۰,۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	۱۲,۹۷۲	۰,۰۰۰	مانا است

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود سطح معناداری همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرهاست. خودهمبستگی مقادیر خطا

در مطالعات اقتصادسنجی که بر مبنای سری‌های زمانی قرار دارند، فرض عدم خودهمبستگی سریالی بین جملات پسماند که از فروض مهم مدل کلاسیک است، اغلب نقض می‌شود. بنابراین لازم می‌باشد که قبل از تفسیر نتایج حاصل، به بررسی پدیده خودهمبستگی سریالی بین جملات پسماند پرداخته شود؛ زیرا در صورت وجود خودهمبستگی سریالی بین اجزاء اخلاص، تخمین زن‌های OLS دیگر در بین تمام تخمین زن‌های بدون تورش، کارا نیستند یعنی دارای حداقل واریانس نمی‌باشند و در نتیجه، استنباط آماری، قابل اعتماد نخواهد بود. این مشکل، بیشتر در داده‌های سری زمانی دیده می‌شود. در این آزمون فرضیه‌ها به شکل زیر است:

جملات پسماند دارای خودهمبستگی سریالی نیستند : H_0

جملات پسماند دارای خودهمبستگی سریالی هستند : H_1

جدول ۴- نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی (بریوش-گودفری)

مدل‌های پژوهش	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
مدل اول	۱۱۳,۴۷۳	۰,۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی
مدل دوم (مالکان نهادی بالا)	۲,۱۰۷	۰,۱۲۲	عدم وجود خودهمبستگی سریالی
مدل سوم (مالکان نهادی پایین)	۱۱,۲۷۹	۰,۰۰۰	وجود خودهمبستگی سریالی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج جدول ۴ مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون بریوش-گودفری در مدل اول و سوم کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی است. که با استفاده از دستور Auto Correlation در نرم‌افزار ایویوز، این مشکل رفع شده است.

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول: بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و رفتار نامتقارن هزینه ها ارتباط وجود دارد.

$$\log\left(\frac{SG\&Ait}{SG\&Ait-1}\right) = \beta_0 + \beta_1 \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) + \beta_2 DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) + \beta_3 Compare + \beta_4 \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * Compare + \beta_5 DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * Compare + \beta_6 SIZE + \beta_7 \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * SIZE + \beta_8 DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * SIZE + \beta_9 LEV + \beta_{10} \log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * LEV + \beta_{11} DecDummy.\log\left(\frac{sales\ it}{salesit-1}\right) * LEV + U\ it$$

جدول ۵- تخمین نهایی مدل رگرسیونی پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
β1	۰.۵۰۶	۰.۰۵۱	۹.۸۸۹	۰.۰۰۰
β2	-۰.۱۸۶	۰.۰۳۲	-۵.۸۲۲	۰.۰۰۰
β3	-۰.۱۰۲	۰.۰۲۱	-۴.۷۰۸	۰.۰۰۰
β4	-۰.۰۰۲	۰.۰۲۱	-۰.۰۱۲	۰.۹۹۰
β5	۰.۱۹۶	۰.۰۲۷	۷.۰۵۶	۰.۰۰۰
β6	-۰.۰۰۶	۰.۰۲۰	-۰.۳۱۶	۰.۷۵۱
β7	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۱.۰۶۸	۰.۲۸۵
β8	-۰.۰۱۰	۰.۰۱۰	-۰.۹۸۱	۰.۳۲۶
β9	۰.۳۴۶	۰.۰۴۱	۸.۳۳۷	۰.۰۰۰
β10	-۰.۰۲۰	۰.۰۰۶	-۲.۹۹۱	۰.۰۰۲
β11	-۰.۴۶۵	۰.۰۵۹	-۷.۷۹۴	۰.۰۰۰
عرض از مبدأ	۰.۰۹۳	۰.۱۱۷	۰.۷۹۴	۰.۴۲۷
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین	۰.۶۹			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۶۴			
آماره فیشر - سطح معناداری آن	۴.۴۱۶			
دوربین واتسون	۲.۱۰۸			

منبع: یافته های پژوهشگر

ضریب (B1= 0.506) و بیانگر آن است که با افزایش ۱٪ در فروش، هزینه های شرکت معادل ۰.۵۰۶٪ افزایش می یابد. همچنین، ضریب (B2= -0.186) است که منفی بودن ضریب نشان دهنده رفتار چسبنده هزینه های شرکت است. ضریب تعاملی قابلیت مقایسه (B5) مثبت بوده و برابر با ۰.۱۹۶ است که در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و مثبت بودن این ضریب نشان دهنده کاهش رفتار چسبنده هزینه ها در نتیجه افزایش در قابلیت مقایسه است. به این معنا که با کاهش ۱٪ در فروش، هزینه های شرکت به میزان ۰.۱۲۴٪ (۰.۱۹۶+۰.۱۸۶-۰.۵۰۶) کاهش می یابد. یا به عبارت دیگر به

ازای ۱٪ کاهش در فروش، چسبندگی هزینه معادل ۰,۱۹۶٪ کاهش پیدا می کند. از این رو می توان گفت که بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و رفتار نامتقارن هزینه ها رابطه معکوس وجود دارد.

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۶۴ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد. از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۲,۵ و ۵,۱ است و نشان از برازش خوب و نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

فرضیه دوم: مالکیت سرمایه گذاران نهادی بر ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و رفتار نامتقارن هزینه ها تاثیر دارد.

برای آزمون فرضیه دوم، مدل رگرسیونی مربوط به فرضیه اول در دو گروه مالکان نهادی بالا و مالکان نهادی پایین به طور مجزا آزمون و ضرایب مربوطه با استفاده از آزمون پترنوستر مقایسه شده اند.

جدول ۶- تخمین نهایی مدل رگرسیونی پژوهش (مالکان نهادی بالا)

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
β_1	۰,۴۰۲	۰,۰۴۵	۸,۸۲۹	۰,۰۰۰
β_2	-۰,۱۶۲	۰,۰۲۲	-۷,۲۲۰	۰,۰۰۰
β_3	-۰,۱۳۲	۰,۰۲۶	-۵,۰۱۳	۰,۰۰۰
β_4	-۰,۰۱۵	۰,۰۲۲	-۰,۶۹۹	۰,۴۸۴
β_5	۰,۳۵۵	۰,۰۵۱	۶,۹۳۶	۰,۰۰۰
β_6	۰,۰۰۲	۰,۰۰۲	۰,۷۵۹	۰,۴۴۷
β_7	۰,۰۱۳	۰,۰۲۴	۰,۵۷۷	۰,۵۶۳
β_8	۰,۰۱۱	۰,۰۴۷	۰,۲۴۴	۰,۸۰۷
β_9	-۰,۰۴۹	۰,۰۵۴	-۰,۹۰۱	۰,۳۶۷
β_{10}	-۰,۰۳۶	۰,۰۰۷	-۴,۹۰۱	۰,۰۰۰
β_{11}	-۰,۴۱۲	۰,۰۴۹	-۸,۲۹۹	۰,۰۰۰
عرض از مبدأ	۰,۰۴۶	۰,۰۵۱	۰,۸۹۶	۰,۳۷۰
سایر آماره های اطلاعاتی				
ضریب تعیین	۰,۷۸			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۷۲			
آماره فیشر - سطح معناداری آن	۶,۴۰۱			
دوربین واتسون	۲,۴۳۹			

منبع: یافته های پژوهشگر

ضریب ($B_1 = 0.402$) و بیانگر آن است که با افزایش ۱٪ در فروش، هزینه های شرکت معادل ۰,۴۰۲٪ افزایش می یابد. همچنین، ضریب ($B_2 = -0.162$) است که منفی بودن ضریب نشان دهنده رفتار چسبنده هزینه های شرکت است.

ضریب تعاملی قابلیت مقایسه (B_5) مثبت بوده و برابر با ۰,۳۵۵ است که در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و مثبت بودن این ضریب نشان دهنده کاهش رفتار چسبنده هزینه ها در نتیجه افزایش در قابلیت مقایسه است به این معنا که با کاهش ۱٪ در فروش، هزینه های شرکت به میزان ۰,۶۹۹٪ ($۰,۳۵۵ + ۰,۱۶۲ - ۰,۵۰۶$) کاهش می یابد و یا به عبارت دیگر به ازای ۱٪ کاهش در فروش، چسبندگی هزینه معادل ۰,۳۵۵٪ کاهش پیدا می کند. از این رو می توان گفت که مالکان نهادی با درصد مالکیت بالاتر، بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و رفتار نامتقارن هزینه ها تاثیر داشته و ضریب اثر

تعاملی قابلیت مقایسه را از عدد ۰,۱۹۶ به ۰,۳۵۵ افزایش داده و رابطه معکوس بین قابلیت مقایسه و چسبندگی هزینه ها در حضور مالکان نهادی بالاتر، تقویت می شود.

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۷۲ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۷۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد. از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۵۰,۱ و ۲,۵ است و نشان از برازش خوب و نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

جدول ۷- تخمین نهایی مدل رگرسیونی پژوهش (مالکان نهادی پایین)

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
β_1	۰,۶۹۸	۰,۰۸۵	۸,۱۹۴	۰,۰۰۰
β_2	-۰,۳۳۸	۰,۰۴۱	-۸,۰۸۶	۰,۰۰۰
β_3	-۰,۱۲۰	۰,۰۲۸	-۴,۱۵۶	۰,۰۰۰
β_4	-۰,۰۰۶	۰,۰۲۰	-۰,۳۱۴	۰,۷۵۳
β_5	۰,۲۰۳	۰,۰۲۰	۱۰,۰۴۳	۰,۰۰۰
β_6	۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۳	۰,۰۶۴	۰,۹۴۸
β_7	-۰,۰۱۲	۰,۰۱۸	-۰,۷۰۰	۰,۴۸۴
β_8	۰,۰۱۷	۰,۰۲۰	۰,۸۳۱	۰,۴۰۵
β_9	۰,۰۰۴	۰,۰۱۹	۰,۲۴۴	۰,۸۰۶
β_{10}	-۰,۰۶۴	۰,۰۱۴	-۴,۴۶۷	۰,۰۰۰
β_{11}	-۰,۵۷۴	۰,۰۵۵	-۱۰,۴۰۵	۰,۰۰۰
عرض از مبدأ	۰,۰۵۵	۰,۰۵۳	۱,۰۴۰	۰,۲۹۸
سایر آماره های اطلاعاتی				
ضریب تعیین	۰,۵۲			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۴۸			
آماره فیشر - سطح معناداری آن	۷,۶۵۷		۰,۰۰۰	
دوربین واتسون	۲,۰۲۳			

منبع: یافته های پژوهشگر

ضریب ($B_1 = 0.698$) و بیانگر آن است که با افزایش ۱٪ در فروش، هزینه های شرکت معادل ۰,۶۹۸٪ افزایش می یابد. همچنین، ضریب ($B_2 = -0.338$) است که منفی بودن ضریب نشان دهنده رفتار چسبیده هزینه های شرکت است.

ضریب تعاملی قابلیت مقایسه (B_5) مثبت بوده و برابر با ۰,۲۰۳ است که در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و مثبت بودن این ضریب نشان دهنده کاهش رفتار چسبیده هزینه ها در نتیجه افزایش در قابلیت مقایسه است به این معنا که با کاهش ۱٪ در فروش، هزینه های شرکت به میزان ۰,۵۶۳٪ ($۰,۶۹۸ - ۰,۳۳۸ + ۰,۲۰۳$) کاهش می یابد و به عبارت دیگر به ازای ۱٪ کاهش در فروش، چسبندگی هزینه معادل ۰,۲۰۳٪ کاهش پیدا می کند. از این رو می توان گفت که مالکان نهادی با درصد مالکیت پایین تر، بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت های مالی و رفتار نامتقارن هزینه ها تاثیر داشته و ضریب اثر تعاملی قابلیت مقایسه را از عدد ۰,۱۹۶ به ۰,۲۰۳ افزایش داده و رابطه معکوس بین قابلیت مقایسه و چسبندگی هزینه ها در حضور مالکان نهادی پایین تر، تقویت می شود.

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۴۸ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۴۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد. از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۵۰.۱ و ۲.۵ است و نشان از برازش خوب و نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

جدول ۸- آزمون پترنوستر

شرح	مقدار ضریب	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
اثر تعاملی قابلیت مقایسه با چسبندگی هزینه	۰,۱۹۶	۶۹ درصد	۶۴ درصد
اثر تعاملی قابلیت مقایسه (مالکیت نهادی بالا)	۰,۳۵۵	۷۸ درصد	۷۲ درصد
اثر تعاملی قابلیت مقایسه (مالکیت نهادی پایین)	۰,۲۰۳	۵۲ درصد	۴۸ درصد
آزمون پترنوستر			
شرح	آماره		سطح معناداری
پترنوستر برای مقایسه مالکان نهادی بالا	۷,۵۹۱		۰,۰۰۵
پترنوستر برای مقایسه مالکان نهادی پایین	۰,۰۴۳		۰,۸۳۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون پترنوستر برای شرکت‌های دارای مالکیت نهادی بالا، کمتر از ۵ درصد است از این رو می‌توان گفت که مالکیت نهادی بالا باعث تعدیل رابطه بین قابلیت مقایسه و چسبندگی هزینه‌ها می‌شود ولی این مورد در مورد مالکیت نهادی پایین صدق نمی‌کند و ضریب به دست آمده در حضور مالکیت نهادی پایین، تفاوت معناداری با ضریب اولیه (در مدل اول) ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بخش مهم هر پژوهش، نتیجه‌گیری از فرضیه‌ها و تعمیم یافته‌های آن می‌باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها با تاکید بر مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ می‌باشد. که پس از اعمال محدودیت‌های پژوهش، تعداد ۱۳۹ شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. پس از اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های پانل برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده گردید. نتیجه فرضیه اول نشان داد بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها ارتباط منفی وجود دارد. این نتیجه بیانگر آن است که در شرکت‌هایی که نحوه گزارشگری رویدادهای مالی مشابه در بین آنها از همگرایی بیشتری برخوردار است، در مقایسه با شرکت‌های دیگر، رفتار نامتقارن هزینه‌ها پایین تر است. به عبارت دیگر، شفافیت محیط اطلاعاتی در چنین شرکت‌هایی بیشتر است و امکان ارزیابی و مقایسه عملکرد آنها با شرکت‌های مختلف به آسانی میسر می‌باشد. این امر زمینه افزایش پاسخگویی مدیران را فراهم می‌کند و انگیزه‌های فرصت طلبانه در مدیران را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد. نتایج این فرضیه، با یافته‌های پژوهش کائو و همکاران (۲۰۲۲)، هارتلیب و لوی (۲۰۱۹) و چوی و همکاران (۲۰۱۹)، چن و همکاران (۲۰۱۴)، دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، حمیدیان و اسحق (۱۴۰۱)، قدرتی زوارم و همکاران (۱۴۰۱)، جعفری و همکاران (۱۳۹۹)، و فرجی و همکاران (۱۳۹۹) همراستا می‌باشد. نتیجه فرضیه دوم نشان داد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی ارتباط منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و رفتار نامتقارن هزینه‌ها را تشدید می‌کند. سرمایه‌گذاران نهادی یکی از بازیگران اصلی بازار سرمایه هستند که استفاده آنها از توانایی‌هایشان تابعی از میزان سرمایه‌گذاری‌شان می‌باشد. یافته این فرضیه بیانگر آن است که سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان مکملی بر قابلیت

مقایسه صورت های مالی، بر عملکرد مدیریت شرکت، نقش نظارتی را ایفا می کنند و با کاهش رفتار نامتقارن هزینه ها، موجب کاهش تضاد منافع بین مدیران و مالکان و انگیزه های فرصت طلبی مدیران می شوند. یافته های این فرضیه با نتایج پژوهش قدرتی زوارم و همکاران (۱۴۰۱)، سامانیان و همکاران (۱۴۰۰)، حسینی پور و همکاران (۱۳۹۸)، حامد و قنبری (۱۳۹۷)، آقایی و حسینی (۱۳۹۳) و صفرزاده (۱۳۹۳) همراستا می باشد و با یافته پژوهش نوروزی و همکاران (۱۳۹۴) همراستا نمی باشد. در راستای نتایج حاصل شده، به سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه بازار سرمایه پیشنهاد می شود در تصمیمات سرمایه گذاری به رفتار نامتقارن هزینه ها به عنوان عاملی برای کاهش ثروت مالکان توجه داشته باشند و در شرکت هایی سرمایه گذاری نمایند که صورت های مالی آنها از قابلیت مقایسه بیشتری برخوردار باشد و همچنین مالکان نهادی سهم قابل توجهی از مالکیت شرکت را در اختیار داشته باشند. به علاوه، به مدیران شرکت ها پیشنهاد می شود با افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی، ریسک سرمایه گذاری سرمایه گذاران را کاهش دهند و شرایط تخصیص بهینه منابع برای آنها را فراهم بیاورند. همچنین مدیران می توانند عوامل ایجاد رفتار نامتقارن برای هزینه های شرکت را شناسایی و تا میزان قابل توجهی کنترل کنند. آنها می توانند از طریق انعقاد قراردادهای مناسب برای مخارج شرکت و استخدام کارکنان (به عنوان مثال انعقاد قراردادهای کوتاه مدت)، میزان تعدیلات لازم برای کاهش سطح داراییهای خود در دوره های کاهش تقاضا و سطح فروش را کمتر کنند و شدت رفتار نامتقارن هزینه ها را کاهش دهند. محدودیت های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

الف- برای محاسبه رفتار نامتقارن هزینه ها از مدل استفاده شده توسط آقایی و حسینی (۱۳۹۳) که رفتار هزینه های عمومی، اداری و فروش را در برابر تغییرات درآمد فروش مورد سنجش قرار می دهد، استفاده گردید که در صورت استفاده از مدل های دیگر، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

ب- برای محاسبه قابلیت مقایسه صورت های مالی از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) که میزان تشابه انعکاس رویدادهای اقتصادی در سود شرکت با استفاده از تابع شرکت و تابع شرکت های دیگر صنعت را مورد سنجش قرار می دهد، استفاده گردید که در صورت استفاده از مدل های دیگر، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

ج- به دلیل گستردگی مدل های رگرسیونی آزمون فرضیه ها، اثر دو متغیر اندازه و اهرم مالی کنترل گردید که در صورت کنترل اثر متغیرهای دیگر، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

منابع

- آقایی، محمدعلی و حسنی، حسن (۱۳۹۳). "بررسی تاثیر انگیزه های شخصی مدیران و متغیرهای حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه‌ها در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶ (۴)، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- پورزمانی، زهرا و منصوری، فرناز (۱۳۹۴)، "تاثیر کیفیت افشا، محافظه کاری و رابطه متقابل آنها بر هزینه سرمایه سهام عادی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۰۲-۸۵.
- جعفری، علی، گرگانلی، جمادوردی، اشرفی، مجید و نادریان، آرش (۱۳۹۹)، "پیامدهای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان با تاکید بر نقش مالکیت نهادی"، پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۹۵-۱۲۸.
- حاجیه‌ها، زهرا و چناری، حسن (۱۴۰۲)، "تاثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی با تاکید بر کیفیت حسابرسی"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۰۶-۸۷.
- حامد، محمدمبین و قنبری، مهرداد (۱۳۹۷)، "مطالعه تاثیر مالکیت نهادی بر چسبندگی هزینه"، کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان و موسسه آموزش عالی علامه خمینی.
- حمیدیان، نرگس و اسحق، گلناز (۱۴۰۱)، "بررسی تاثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ابهام گزارشگری مالی بر ارتباط ارزشی سود و ارزش دفتری هر سهم"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۳۳، صص ۸۵-۱۱۵.
- سامانیان، سعید، بندریان، امیرعلی، سامانیان، علیرضا و مسیحی پور، کوروش (۱۴۰۰)، "بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی هیات مدیره و تحریم اقتصادی بر چسبندگی هزینه‌ها با تاکید بر نقش مالکیت نهادی"، چشم انداز حسابداری و مدیریت، سال چهارم، شماره ۵۵.
- سپاسی، سحر و کاظم زاده، مرتضی (۱۳۹۵)، "چسبندگی هزینه و مروری جامع بر پژوهش‌های آن در ایران"، مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- صفرزاده، محمد حسین (۱۳۹۳)، "نقش راهبری شرکتی در توضیح چسبندگی هزینه‌ها"، حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۲۸، صص ۱-۲۱.
- فرجی، امید، سجادیپور، رضا و رفیعی، مرتضی (۱۳۹۹)، "قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سیاست تقسیم سود با تاکید بر نقش تعدیل‌کننده محدودیت‌های مالی و سهامداران نهادی"، هجدهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه یزد.
- قدرتی زوارم، عباس، نوروزی، محمد، روزخوش، مرضیه و نجاری، عظیمه (۱۴۰۱)، "بررسی اثر هموارسازی سود و ساختار مالکیت بر چسبندگی هزینه"، چشم انداز حسابداری و مدیریت، سال پنجم، شماره ۵۸.
- کردستانی، غلامرضا و مرتضوی، سیدمرتضی (۱۳۹۱)، "شناسایی عوامل تعیین‌کننده چسبندگی هزینه‌های شرکت"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴ (۳)، صص ۳۲-۱۳.
- محفوظی، غلامرضا، ابوالحسینی، محمدتقی و شیرپور آبکنار، حدیقه (۱۳۹۷)، "بررسی سرمایه‌سازمانی و رفتار چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۱۷۴-۱۵۹.
- محمدی، محمد و زنجیردار، مجید (۱۳۹۷)، "رابطه انواع مالکان نهادی، محافظه کاری حسابداری و چسبندگی هزینه"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۲۱۴-۲۰۱.
- مشایخ، شهناز، پارسایی، منا و عسکرزاده، پریا (۱۴۰۲)، "رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و سرمایه‌گذاری حقوقی بر کارایی سرمایه‌گذاری در بانک‌های عضو بازار سرمایه ایران"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۸۶-۵۹.
- نوروزی بیله سوار، فتح‌اله، فرهودی اجیرلو، حمید، سعیدی، علی اوسط و فرهودی، سخاوت (۱۳۹۴)، "بررسی ارتباط بین متغیر مالکیت نهادی با چسبندگی هزینه‌ها در شرکتهای پذیرفته شده بورس تهران"، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، امارات متحده عربی، دبى.

- هاشمی پور نصری، زهرا، منصوری، فردین، غلامی جمکرانی، رضا و صفا، مؤگان (۱۴۰۲)، "تاثیر عوامل ناشی از ساختار سیاسی-اقتصادی کشور بر میزان چسبندگی هزینه‌های شرکت‌ها"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، صص ۲۳۹-۲۵۸.
- همه‌خانی، صادق و رویایی، رمضانعلی (۱۴۰۱)، "تاثیر عوامل فرهنگی بر چسبندگی هزینه‌ها"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۱۷۸-۱۵۹.

- Abudy, M. & Shust, E. (2019). "Selling, General, and Administrative Cost Behavior of Family Firms". Working Paper, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3492541>.
- Banker, R., Byzalov, D., & Plehn-Dujowich, J. (2014). "Demand Uncertainty and Cost Behavior". *The Accounting Review*, 89(3), PP. 839-865.
- Campbell, J. L. & Yeung, P. E. (2017). "Earnings Comparability, Accounting Similarities, and Stock Returns: Evidence from Peer Firms' Earnings Restatements". *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 32(4), PP. 480- 509.
- Cao, S., Wang, J., & Zhou, j. (2022). "Pricing Like Things Alike: The Role of Financial Statements Comparability in Bond Pricing". *International Review of Economics & Finance*. 79, PP. 428-447.
- Choi, J. H., Choi, S., Myers, L. A. & Ziebart, D. (2019). "Financial Statement Comparability and the Informativeness of Stock Prices about Future Earnings". *Contemporary Accounting Research*, 36(1), PP. 389-417.
- Choi, J.H., Choi, S., Myers, L.A. & Ziebart, D. (2013). "Financial Statement Comparability and Capital Market Benefits Of voluntary Adoption of IFRS by US Firms: Insights from Voluntary Adoption of IFRS by Non-US Firms". Working Paper, Available at <http://www.ssrn.com>.
- Ciao-Wei Chen, Daniel W. Collins, Todd K., & Richard D. M. (2014). "Financial Statement Comparability and the Efficiency of Acquisition Decisions". Working Paper, Pdfs. [semanticscholar.org](https://www.semanticscholar.org).
- Cooper, R. and Kaplan, R. S. (1988). "Measure Costs Right: Make the Right Decisions". *Harvard Business Review*, 66 (5), PP. 96-103.
- Cooper, R. and Kaplan, R. S. (1991). "The Design of Cost Management Systems: Text, Cases, and Readings". Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- De Franco, G., Kothari, S.P. & Verdi, R.S. (2011). "The Benefits of Financial Statement Comparability". *Journal of Accounting Research*, 49 (4), PP. 895-931.
- Gillan, S.G. and Starks, L.T. (2003). "A Survey of Shareholder Activism: Motivation and Empirical Evidence". *Contemporary Finance Dig*, PP. 10-38.

- Gordon, I., Gallery, N. (2012). "Assessing Financial Reporting Comparability across Institutional Settings: The Case of Pension Accounting". *The British Accounting Review*, 44, PP. 11-20.
- Hartlieb, S. & Loy, T. R. (2017). "Evidence on the Trade-Off between Cost Stickiness and Income Smoothing". Working Paper, University of Bamberg and University of Bayreuth.
- Hartlieb, S. & Loy, T. R. (2019). "Evidence on the Trade-Off between Cost Stickiness and Income Smoothing". Management Accounting Section (MAS) Meeting, Available at SSRN: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2814309>.
- Jeong-Bon Kim, Leye Li, Louise Yi Lu, & Yangxin Yu (2016). "Financial Statement Comparability and Expected Crash Risk". *Journal of Accounting and Economics*, 61. PP. 294–312.
- Kim, J. B., & Zhou, J. (2023). "Cost Stickiness and Bank Loan Contracting". *Advances in Accounting*, 61. PP. 1-15.
- Leuz, C., Nanda, D., & Wysocki, P.D. (2003). "Earnings Management and Investor Protection: an International Comparison". *Journal of Financial Economics*, 69(3), PP. 505-527.
- Makni Fourati, Y., Chakroun Ghorbel, R., & Jarboui, A. (2020). "Sticky Cost Behavior and its Implication on Accounting Conservatism: a Cross-Country Study". *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 18(1), PP. 169-197.
- Wang, C. (2014). "Accounting Standards Harmonization and Financial Statement Comparability: Evidence from Transnational Information Transfer". *Journal of Accounting Research*, 52(4). PP. 955-992.
- Xue, S., & Hong, Y. (2016). "Earnings Management, Corporate Governance and Expense Stickiness". *China Journal of Accounting Research*, 9(1), PP. 41-58.
- Zakaria B., Faisal A., & Besma H. (2021). "Bank Ownership, Institutional Quality and Financial Stability: Evidence from the GCC Region". *Pacific-Basin Finance Journal*, 66(C), PP. 1-35.